مجموعه‌ی جنبش‌های اجتماعی – ترجمه‌ی ۵

انضباط بی‌خشونت در جنبش‌های اجتماعی: ساختن یا شکستن؟

چه چیزی جنبش‌ها را، زیر سرکوب، بی‌خشونت نگه می‌دارد؟

بخش ۳ از ۴ – فصل سوم: مقایسه‌ی انقلاب‌های رنگی

جاناتان پینکنی

Jonathan Pinckney, *Making or Breaking Nonviolent Discipline in Civil Resistance Movements*, ICNC Monograph Series (Washington, DC: International Center on Nonviolent Conflict, 2016), pp. 45–58.

این اثر توسط **پژوهشکده‌ی جنبش معلمان** به فارسی ترجمه شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. ترجمه‌ی کامل و بدون حذف است و در چهار بخش هفتگی منتشر می‌شود؛ شماره‌های داخل کادر ۴۵ آغاز هر صفحه‌ی متن اصلی را نشان می‌دهند تا ارجاع به اصل آسان باشد. پانوشت‌ها عیناً به زبان اصلی و با شماره‌ی اصل آمده‌اند. افزوده‌های مترجم با «م.» مشخص شده‌اند.

یادداشت پژوهشکده

پینکنی در بخش نخست سیزده «تأثیر مورد انتظار» بر انضباط بی‌خشونت را از ادبیات پژوهشی بیرون کشید و در بخش دوم ده‌تای آن‌ها را با نزدیک به هجده هزار رویداد در چهارده کشور غیردموکراتیک آزمود. سه تأثیر در آن آزمون جا نمی‌گرفتند: **آموزش و اطلاعات** (تأثیر ۲)، **فراخوان به انضباط بی‌خشونت** (تأثیر ۵) و **مجازات از سوی خود کارزار** (تأثیر ۱۱). این‌ها را نمی‌شود از روی سطرهای یک پایگاه ثبت رویداد خواند، چون به نیت و تصمیم رهبران و سازمان‌ها برمی‌گردند. فصل سوم همین‌ها را به مطالعه‌ی موردی می‌سپارد و در همان حال یافته‌های آماری را در سه کارزار واقعی می‌آزماید.

سه مورد برای این کار برگزیده شده‌اند، چون «طیفی» می‌سازند: صربستان (عمدتاً بی‌خشونت)، گرجستان (تقریباً کاملاً بی‌خشونت) و قرقیزستان (به‌زحمت بی‌خشونت). هر سه از یک «سناریوی» مشترک پیروی کردند و فعالان‌شان با هم آموزش دیدند؛ پس پرسش تیز می‌شود: چرا یک سناریو سه نتیجه‌ی متفاوت داد؟

آنچه جدول ۵ درباره‌ی سه تأثیر آزمون‌نشده می‌گوید. آموزش (تأثیر ۲): در گرجستان گروه را بی‌خشونت نگه داشت؛ در صربستان در هسته‌ی سازمان مؤثر بود، نه در جمعیت گسترده‌تر؛ در قرقیزستان، که آموزش سطحی‌تر بود، اثر آشکاری نداشت. فراخوان (تأثیر ۵): در گرجستان فراخوان‌های پیوسته کمک کرد؛ در صربستان معیارهای نامشخص به درگیری انجامید؛ در قرقیزستان خودِ رهبران برخی خشونت‌ها را تشویق کردند. مجازات (تأثیر ۱۱): در صربستان رهبران درگیری‌ها را متوقف و محکوم کردند؛ در قرقیزستان رهبران خشونت را تشویق کردند؛ در گرجستان تخلف عمده‌ای رخ نداد که مجازاتی را ایجاب کند.

نکته‌هایی برای خواندن دقیق. روایت صربستان آمیزه‌ای از کنش بی‌خشونت و آمادگی مسلحانه‌ی پشتیبان است (رهبران DOS سلاح ذخیره کردند و «گروه‌های ضربت» ساختند)؛ نویسنده همین را «عمدتاً بی‌خشونت» رده‌بندی می‌کند، نه «کاملاً». جدول ۵ ستون‌ها را به ترتیب گرجستان، صربستان و قرقیزستان می‌آورد، برخلاف جدول ۴ و روایت‌ها. در سطر «طیف گسترده‌ی تاکتیک‌های پیشین» جدول، گرجستان «بی‌سابقه‌ی کارزار بزرگ» ثبت شده، اما متن از اعتراض‌های مسالمت‌آمیز توده‌ای دهه‌ی ۱۹۸۰ و ۲۰۰۱ در آن کشور سخن می‌گوید؛ این تفاوت را دست‌نخورده گذاشته‌ایم. نام نامزد اپوزیسیون صربستان در اصل «Vosislav Kostunica» چاپ شده است؛ شکل درست «Vojislav Koštunica» است. نقشه‌ها از اصل برداشته و با نشانه‌گذاری فارسی همراه شده‌اند. جدول‌های ۴ و ۵ و عنوان‌ها بازتولید فارسی اصل‌اند. به‌جز جدول‌های این فصل، «جدول ۴» پیوست آماری بخش ۲ چیز دیگری است.

اصطلاحات همان‌اند که در بخش‌های ۱ و ۲ آمد: «انضباط بی‌خشونت» (nonviolent discipline)، «مقاومت مدنی» (civil resistance)، «کارزار» (campaign)، «نتیجه‌ی معکوس» (backlash)، «امتیاز» (concession) و «تأثیر n» برای هر یک از سیزده تأثیر مورد انتظار.

فصل ۳ [۴۵]

مقایسه‌ی انقلاب‌های رنگی

این بخش بر یافته‌های تحلیل آماری بنا می‌شود و برخی از تأثیرهای مورد انتظار بر انضباط بی‌خشونت را که برای آزمون آماری مناسب نبودند، با یک مقایسه‌ی ساخت‌یافته و متمرکز میان سه نمونه‌ی اثرگذار از مقاومت مدنی می‌آزماید:

- «انقلاب بولدوزر» در صربستان، ۲۰۰۰؛
- «انقلاب گل رز» در گرجستان، ۲۰۰۳؛ و
- «انقلاب لاله» در قرقیزستان، ۲۰۰۵.

این سه مورد نمونه‌هایی از موجی از جنبش‌های مقاومت مدنی در کشورهای پساکمونیستی در آغاز دهه‌ی ۲۰۰۰اند که در زبان عامه «انقلاب‌های رنگی» نامیده می‌شود. چهارمین کارزاری که معمولاً در این موج می‌گنجانند، یعنی «انقلاب نارنجی» در اوکراین، کنار گذاشته شد، چون داده‌های اوکراین بخشی از آزمون آماری فصل پیشین بودند.

این سه مورد با منطق «سامانه‌های بیشترین شباهت» انتخاب شدند که به «روش تفاوت» میل نیز شناخته می‌شود (Mill 1856). این شیوه‌ی گزینش مطالعه‌ی موردی می‌کوشد شرایط یک آزمایش کنترل‌شده را بازتولید کند: موردهایی را برمی‌گزیند که در ابعاد بسیار شبیه یکدیگرند اما در بُعدِ مورد نظر، که در این‌جا سطح انضباط بی‌خشونت است، تفاوت دارند.

انتخاب موردها از انقلاب‌های رنگی، و نه سه مورد مشابه از «موج»های دیگر مقاومت مدنی، چند دلیل داشت. نخست، و مهم‌تر از همه، این موردها طیف روشنی از تفاوت را در انضباط بی‌خشونت نشان می‌دادند، چنان‌که در جدول ۴ دیده می‌شود. دوم، این‌ها کشورهایی‌اند که رویدادهایشان در آزمون آماری این تک‌نگاری نیامده است. سوم، به‌جای موردهای موج‌های قدیمی‌تر مقاومت مدنی، مانند جنبش‌های ضدکمونیستی اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰، موردهای تازه برگزیده شدند، با این هدف که تحلیل ارائه‌شده مستقیم‌تر به کار فعالان امروزِ مقاومت مدنی بیاید. چهارم، موردهای انقلاب‌های رنگی همگی از «سناریوهای راهبردی» همانندی پیروی می‌کردند، زیرا فعالان جنبش‌های پیشین این «موج»، به‌ویژه جنبش جوانان اوتپور (Otpor) در صربستان، آگاهانه می‌کوشیدند دانش مقاومت مدنی را با فعالان کشورهای همسایه در میان بگذارند. این الگوی انتشار و [۴۶] تقلید، که نزدیکی جغرافیایی و فرهنگی این سه مورد آن را آسان کرد، تفاوت در انضباط بی‌خشونت را باز هم حیرت‌انگیزتر می‌کند.

۴۶

جدول ۴. تصویر کلی مقایسه‌ی انقلاب‌های رنگی

کشور و تاریخ	کارزار	سطح انضباط بی‌خشونت (NVD)
صربستان، ۲۰۰۰	اوتپور / انقلاب بولدوزر	**عمدتاً بی‌خشونت**
گرجستان، ۲۰۰۳	انقلاب گل رز	**تقریباً کاملاً بی‌خشونت**
قرقیزستان، ۲۰۰۵	انقلاب لاله	**به‌زحمت بی‌خشونت**

بررسی این موردها از روش‌های ردیابی فرایند و مقایسه‌ی ساخت‌یافته‌ی متمرکزِ جورج و بنت (George and Bennett 2005) بهره می‌گیرد. یعنی مطالعات موردی بر آرایش‌های ویژه‌ی تأثیرهای مورد انتظار بر انضباط بی‌خشونت در هر کارزار تمرکز می‌کنند؛ می‌جویند که هر تأثیر تا چه اندازه حاضر یا غایب بوده است؛ و فرایند را از آن تأثیر تا پیامد، یعنی انضباط بی‌خشونتِ قوی‌تر یا ضعیف‌تر، با دقت ردیابی می‌کنند تا اثر ویژه‌ی آن را روشن کنند.

این بخش نخست مروری کوتاه بر رویدادهای عمده‌ی هر مورد می‌دهد و شواهد مربوط به سطح نسبی انضباط بی‌خشونت و ویژگی‌های کارزار و کشور را، که به تأثیرهای مورد انتظار بر انضباط بی‌خشونت مربوط‌اند، برجسته می‌کند. پس از این روایت‌های کوتاه، بخش به شباهت‌ها و تفاوت‌های میان موردها می‌پردازد و شواهد را ارائه می‌کند.[۳۰]

صربستان: بولدوزر، نه گلوله[۳۱]

مخالفت مردمی با اسلوبودان میلوشویچ (Slobodan Milosevic)، رئیس‌جمهور یوگسلاوی، در سراسر دهه‌ی ۱۹۹۰ نسبتاً پیوسته بود؛ با تظاهرات دانشجویی در ۱۹۹۱ آغاز شد و ۴۷ با فروپاشی تدریجی یوگسلاوی، از فدراسیونی شش‌جمهوری‌ای به دولت باقی‌مانده‌ای هرچه کوچک‌تر، ادامه یافت.

انتخابات محلی ۱۹۹۶ کانون مهمی برای مخالفت مردمی فراهم کرد. اپوزیسیون در بسیاری از انتخابات پیروز شد، اما حزب حاکمِ میلوشویچ از به‌رسمیت‌شناختن نتایج سر باز زد و نزدیک به سه ماه اعتراض مردمی برانگیخت. پس از سرکوب شدید خشونت‌آمیز و خون‌ریزی، هر دو طرف به برخی پیروزی‌ها و شکست‌ها رسیدند. میلوشویچ پیروزی‌های اپوزیسیون را در بسیاری از انتخابات محلی به رسمیت شناخت، اما بر سر قدرت ماند.

کارزار مقاومت مدنی‌ای که سرانجام میلوشویچ را از قدرت برکنار کرد، به ۱۹۹۸ بازمی‌گردد، هنگامی که گروهی از دانشجویان، که بسیاری‌شان در اعتراض‌های ۱۹۹۶ شرکت داشتند، گرد هم آمدند و اوتپور

(«مقاومت») را به‌عنوان سازمانی دانشجویی تشکیل دادند، با هدف صریحاً انقلابیِ برکناری میلوشویچ از راه یک انتخابات و یک کارزار برنامه‌ریزی‌شده‌ی مقاومت مدنی برای تضمین احترام به نتیجه‌ی واقعی انتخابات. کنش‌های نخستین اوتپور کوچک اما زیرکانه بود و از تئاتر خیابانی و طنز برای تضعیف اقتدار رژیم میلوشویچ و جلب علاقه‌ی مردم بهره می‌گرفت.

اوتپور و دیگر سازمان‌های جامعه‌ی مدنی صربستان از حمایت مالی و عملی گسترده‌ی بین‌المللی بهره‌مند شدند و فعالان برجسته‌ی اوتپور آموزش‌های گسترده در نظریه و عمل مقاومت مدنی دیدند. افزون بر این، اوتپور و دیگر فعالان اپوزیسیون از فعالان اپوزیسیونی که در شکست انتخاباتی و بی‌خشونتِ رهبران نیمه‌اقتدارگرا در اسلواکی و کرواسی، پیش از انقلاب بولدوزر صربستان، دست داشتند آموزش و کمک گرفتند.



نشان اوتپور (Otpor) نزدیک دانشگاه نووی‌ساد (Novi Sad)، صربستان، ۲۰۰۱.

منبع عکس: ویکی‌مدیا کامنز، Joulupukki

سرکوب رژیم در سراسر کارزار اوتپور پیوسته بود. پلیس مرتب [۴۹] فعالان اوتپور را بازداشت، تهدید یا کتک می‌زد و رژیم میلوشویچ بارها کوشید این سازمان را گروهی خرابکار و تروریست جلوه دهد. در سراسر این دوره‌ی نخست، فعالان اوتپور عمدتاً انضباط بی‌خشونت را حفظ کردند و موارد اندکی از خشونت گزارش شد. به‌طور گسترده گزارش شده که این انضباط بی‌خشونت در چرخاندن افکار عمومی صربستان علیه میلوشویچ موفق بود، چراکه سرکوب خشونت‌آمیز دانشجویان نشانه‌ی ضعف و اراذل‌منشی رژیم دیده می‌شد. نتیجه‌ی معکوس خشونت رژیم و تاکتیک‌های خلاقانه به رشد سریع اوتپور کمک کرد و سرانجام شمار اعضای آن در شاخه‌های محلی سراسر کشور به چند هزار نفر رسید. بدین ترتیب، از نظر تنوع شرکت‌کنندگان، اوتپور در اوج فعالیت کارزارش در ابعاد گوناگون بسیار متنوع بود.

۴۸

نقشه‌ی صربستان



نشانه‌ها (افزوده‌ی مترجم): ۱ بلگراد (Beograd) ۲ نووی‌ساد (Novi Sad)

راهنمای اصل: پایتخت کشور · پایتخت جمهوری · پایتخت استان خودمختار · شهر، روستا · فرودگاه اصلی · مرز بین‌المللی · مرز جمهوری · مرز استان خودمختار · بزرگراه · جاده · راه‌آهن · کانال.

منبع: سازمان ملل متحد، نقشه‌ی شماره‌ی ۴۲۶۸، بازنگری ۱، آوریل ۲۰۰۷، بخش نقشه‌برداری، اداره‌ی عملیات حفظ صلح. مرزها و نام‌های نشان‌داده‌شده در این نقشه و عنوان‌های به‌کاررفته در آن به معنای تأیید یا پذیرش رسمی از سوی سازمان ملل متحد نیست.

در ۲۰۰۰، رئیس‌جمهور میلوشویچ اعلام کرد که صربستان در سپتامبر همان سال انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری برگزار می‌کند. فعالان اوتپور، همراه با اپوزیسیون رسمی سیاسی که در ائتلاف «اپوزیسیون دموکراتیک صربستان» (DOS) گرد آمده بود، برنامه‌ریزی کردند تا از انتخابات برای سازمان‌دهی برکناری میلوشویچ بهره ببرند. آنان انتظار داشتند میلوشویچ بکوشد انتخابات را با تقلب

بدزدد، اما برنامه داشتند که تقلب را با نظارت سراسری بر انتخابات افشا کنند و نتیجه را با فراخواندن مردم به اعتراض تا کناره‌گیری میلوشویچ اجرایی سازند.

در دور نخست رأی‌گیری، میلوشویچ هرچند پذیرفت که پیروز نشده، مدعی شد که نامزد اپوزیسیون، وویسلاو کوشتونیتسا (در اصل: Vosislav Kostunica؛ شکل درست: Vojislav Koštunica – م.)، نیز به اکثریت آرا نرسیده و دور دوم لازم است. اما برآوردهای مستقل اپوزیسیون نشان می‌داد کوشتونیتسا آشکارا اکثریت مطلق را به دست آورده است.

در روزهای بلافاصله پس از دور نخست، DOS راهبرد خود را برای سرنگونی میلوشویچ ترسیم کرد. آنان فراخوان اعتصاب عمومی دادند و برنامه ریختند که حامیان روستایی از سراسر صربستان در ۵ اکتبر در بلگراد گرد آیند تا دولت را فلج کنند. در این نشست‌های برنامه‌ریزی، رهبری DOS «به‌اتفاق آرا تصمیم گرفت به هر سطحی از زور که پلیس علیه آنان به کار ببرد، پاسخ دهد» (Bujosevic and Radovanovic 2003). بنابراین، هرچند بیشتر گفتمان عمومی‌شان بر نافرمانی مدنی تأکید داشت، سلاح هم ذخیره کردند و «گروه‌های ضربت» مسلح ویژه‌ای را به رهبری اعضای پیشین ارتش یا پلیس آماده ساختند تا امنیت را تأمین کنند و در صورت لزوم به خشونت پلیس یا ارتش با زور پاسخ دهند. با این همه، به‌دلیل موفقیت اعتراض‌های بی‌خشونت، از این سلاح‌ها هرگز استفاده نشد.

در روزهای منتهی به ۵ اکتبر، مهم‌ترین گروهی که به اعتصاب عمومی پیوست، معدنچیان زغال‌سنگ معدن کولوبارا (Kolubara) در بیرون بلگراد بودند. چون این معدن سهم بزرگی از برق صربستان را تأمین می‌کرد، اعتصاب به [۵۰] خاموشی‌های گسترده انجامید. اعتصاب دقیقاً سازمان‌دهی شده بود: کارگران معدن را اشغال کردند و قطعات کلیدی ماشین‌آلات را برداشتند تا از بازگشایی معدن با اعتصاب‌شکنان جلوگیری شود.

شب ۴ اکتبر، رهبران DOS با رهبران برجسته‌ی نیروهای امنیتی دیدار کردند. بسیاری در نیروهای امنیتی مایل نبودند یا تردید داشتند از رژیم میلوشویچ دفاع کنند، اما از خشونت اپوزیسیون نگران بودند. DOS با نیروهای امنیتی به چند توافق غیررسمی رسید و در برابر خویشتن‌داری نیروهای امنیتی وعده داد معترضان را مهار کند.

در ۵ اکتبر، در سراسر صربستان، حامیان DOS و اوتپور به‌سوی بلگراد راه افتادند. در یک اشتباه حیاتی، پلیس صربستان در دایره‌ای گسترده پیرامون شهر پراکنده شده بود و تنها دسته‌های کوچکی در ایست‌بازرسی‌ها مستقر بودند. این دسته‌ها با شمار عظیمی از حامیان اپوزیسیون روبه‌رو شدند که از پلیس می‌خواستند کنار برود. انضباط بی‌خشونت آمیخته بود: برخی معترضان به‌آرامی گذشتند، اما برخی دیگر پلیس را با خشونت فیزیکی یا تهدید کنار زدند.

در خود بلگراد چند درگیری خشونت‌آمیز میان پلیس و معترضان رخ داد، برخی با سلاح‌های دست‌ساز. با این حال، هرچند دولت به پلیس دستور داده بود با راکت‌انداز و سلاح‌های خودکار از رسیدن معترضان به بلگراد جلوگیری کند، پلیس مایل نبود به سطوح بالای خشونت دست بزند. بنابراین، هرچند عناصری از هر دو طرف مسلح بودند، حامیان اپوزیسیون عمدتاً از تصمیم DOS پیروی کردند که فقط به خشونت پلیس با سطحی همانند از زور پاسخ دهند. پلیس با باتوم و گاز اشک‌آور به معترضان حمله می‌کرد و معترضان با سنگ، بطری و مشت پاسخ می‌دادند، اما تیراندازی متقابل اندک بود. در مجموع، خشونت از هر دو سو از نظر گستره و ماهیت محدود بود، به‌ویژه وقتی با مقیاس کلی و سطح انضباط بی‌خشونت صدها هزار نفری که به پایتخت سرازیر شدند سنجیده شود.

رهبران DOS و اوتپور نیز تلاشی هماهنگ برای جلوگیری از خشونت کردند؛ چند رهبر از معترضان خواستند از حمله به پلیس خودداری کنند و گاه حتی به‌طور فیزیکی مداخله کردند تا حمله‌ها به پلیس از حد نگذرد. تا پایان روز، معترضان کنترل پارلمان صربستان، تلویزیون دولتی و ایستگاه‌های پلیس را در دست داشتند. بسیاری از پلیس و نیروهای ویژه‌ی امنیت دولتی به اپوزیسیون پیوسته (یا به آن پناهنده شده) بودند و شبه‌نظامیان مسلح DOS از نقاط مهم بلگراد نگهبانی می‌کردند. ارتش، که حاضر نبود به مردم صربستان شلیک کند، عمدتاً از درگیری کنار ماند. در ۶ اکتبر کوشتونیتسا با میلوشویچ دیدار کرد و میلوشویچ پذیرفت که انتخابات را باخته است.

بنابراین انقلاب بولدوزر را دقیق‌ترین شکل می‌توان «عمدتاً بی‌خشونت» رده‌بندی کرد (به جدول ۴ نگاه کنید). سال‌ها فعالیت اوتپور با انضباط بی‌خشونتِ نزدیک به [۵۱] کامل مشخص می‌شد. هرچند در فشار نهایی برای برکناری میلوشویچ فروپاشی‌هایی رخ داد، این‌ها از نظر گستره و شدت محدود بودند. در قیاس با شمار عظیم معترضانی که در بلگراد گرد آمدند نیز نسبتاً حاشیه‌ای بودند. بنابراین توصیف آن به‌عنوان کارزاری عمدتاً بی‌خشونت، که درجه‌ای بالا، اما ناقص، از انضباط بی‌خشونت نشان می‌داد، دقیق است.

گرجستان: گل‌های رز در پارلمان

در ۲۰۰۳ دولت گرجستان برای برگزاری انتخابات پارلمانی آماده می‌شد. رئیس‌جمهور گرجستان، ادوارد شواردنادزه (Eduard Shevardnadze)، به‌تدریج به‌دلیل فساد گسترده و سختی اقتصادی نامحبوب شده بود. اپوزیسیون گرجستان، که پیش‌تر میان چند حزب پراکنده تقسیم شده بود، فرصتی دید تا کنترل را از شواردنادزه بگیرد و برای کسب اکثریت در پارلمان متحد شد.

هنگامی که خطر رویارویی در جریان یک راه‌پیمایی... بالا گرفت، رهبران اپوزیسیون تحصن را پایان دادند و به‌جای آن از حامیان خود خواستند به اعتصاب مالیاتی دست بزنند.

مخالفت مردمی در گرجستان تازگی نداشت. در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰، گرجی‌ها برای استقلال از اتحاد شوروی در اعتراض‌های مسالمت‌آمیز توده‌ای شرکت کرده بودند. هرچند این جنبش به‌سختی سرکوب شد، سرانجام توانست نخستین انتخابات چندحزبی گرجستان را در ۱۹۹۰ و استقلال از اتحاد شوروی را در ۱۹۹۱ به دست آورد.

در تقابل با گذار عمدتاً مسالمت‌آمیزش به استقلال، تاریخ کوتاه پساشورویِ گرجستان عمیقاً از ستیزهای درونی زخم خورده بود. منطقه‌ی اوستیای جنوبی همزمان با حرکت به‌سوی استقلال گرجستان نبردی خونین برای خودمختاری از گرجستان به راه انداخت و پس از آن مبارزه‌ی دیگری برای استقلال در منطقه‌ی آبخازیا رخ داد. مهم‌تر از آن، در اواخر ۱۹۹۱، پراکندن خشونت‌آمیز تظاهرات ضددولتی به انشقاق در نیروهای امنیتی گرجستان انجامید و نیروهای مسلح دولت و اپوزیسیون در خیابان‌های تفلیس با هم جنگیدند. نخستین رئیس‌جمهور گرجستانِ مستقل، زویاد گامساخوردیا (Zviad Gamsakhurdia)، اندکی بعد در کودتایی برکنار شد. پس از برکناری، گامساخوردیا تا شکستش در ۱۹۹۳ جنگ داخلی خونینی علیه دولت به راه انداخت.

نزدیک به یک دهه بعد، تلاش رئیس‌جمهور شواردنادزه برای بستن یک شبکه‌ی تلویزیونی مستقل در ۲۰۰۱ به اعتراض‌های مسالمت‌آمیز گسترده انجامیده بود که شواردنادزه را وادار به عقب‌نشینی کرد. در همان زمان، یکی از چهره‌های پیشین عالی‌رتبه‌ی رژیم، [۵۲] میخائیل ساکاشویلی (Michael Saakashvili)، از دولت جدا شده و اپوزیسیون «جنبش ملی متحد» (UNM) را تشکیل داده بود. ساکاشویلی چهره‌ای کاریزماتیک و جوان بود که اصلاحات اقتصادی بزرگ وعده می‌داد.

نقشه‌ی گرجستان



نشانه‌ها (افزوده‌ی مترجم): ۱ تفلیس (T'bilisi) ۲ سوخومی (Sokhumi؛ آبخازیا) ۳ تسخینوالی (Tskhinvali؛ اوستیای جنوبی)

راهنمای اصل: پایتخت کشور · پایتخت جمهوری خودمختار · شهر، روستا · فرودگاه اصلی · مرز بین‌المللی · مرز جمهوری خودمختار · جاده‌ی اصلی · جاده‌ی فرعی · راه‌آهن.

منبع: سازمان ملل متحد، نقشه‌ی شماره‌ی ۳۷۸۰، بازنگری ۶، سپتامبر ۲۰۱۵، اداره‌ی پشتیبانی میدانی، بخش اطلاعات جغرافیایی. مرزها و نام‌های نشان‌داده‌شده در این نقشه و عنوان‌های به‌کاررفته در آن به معنای تأیید یا پذیرش رسمی از سوی سازمان ملل متحد نیست.

ساکاشویلی و دیگر رهبران UNM، همراه با سازمان جوانان اصلاح‌طلب «کمارا» (Kmara)، عمیقاً از رویدادهای انقلاب بولدوزر صربستان در ۲۰۰۰ الهام گرفته بودند. ساکاشویلی چندین بار به صربستان سفر کرد و از چهره‌های اپوزیسیون صربستان آموزش‌های گسترده دید. دانشجویان کمارا نیز در «اردوی تابستانی مقاومت مدنی» (Bunce and Wolchik 2011, 161) با رهبران اوتپور شرکت کردند و سازمان خود را آشکارا از روی اوتپور الگوبرداری کردند.

در آستانه‌ی انتخابات، ساکاشویلی و دیگر رهبران اپوزیسیون با آزار خشونت‌آمیز از سوی نیروهای امنیتی روبه‌رو شدند و هشدار دادند که احتمال قوی وجود دارد دولت بکوشد نتایج انتخابات را جعل کند. وقتی

نتایج نشان داد حزب شواردنادزه، همراه با حزبی متحد دولت به رهبری یک [۵۳] مرد قدرتمند محلی، بر پارلمان مسلط خواهد شد، ساکاشویلی و اپوزیسیون بی‌درنگ نتایج را متقلبانه محکوم کردند و از مردم گرجستان خواستند برای برکناری دولت مسالمت‌آمیز اعتراض کنند.



مردم در برابر ساختمان پارلمان در تفلیس، گرجستان، ۲۰۰۳ سازمان می‌یابند.

منبع عکس: ویکی‌مدیا کامنز، Zaraza

اهداف کارزار پیش از پدیدارشدن تقلب انتخاباتی بنابراین اصلاح‌طلبانه‌تر بود و بر کسب جایگاه بزرگ‌تر در پارلمان گرجستان تمرکز داشت. اما همین که تقلب انتخاباتی دولت آشکار شد، به‌سرعت به هدف انقلابی‌تر برکناری کامل دولت شواردنادزه تغییر جهت دادند.

اپوزیسیون و رژیم هر دو از خطرهای خشونت هشدار می‌دادند و با بیانیه‌هایی خاطره‌ی جنگ داخلی اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ را فرا می‌خواندند. شواردنادزه کوشید با این گفتمان از شرکت در تظاهرات بکاهد و هشدار می‌داد که اپوزیسیون ناگزیر گرجستان را به‌سوی جنگ داخلی می‌برد. اپوزیسیون، برعکس، پیوسته بر ماهیت کاملاً مسالمت‌آمیز مبارزه‌اش تأکید می‌کرد. ساکاشویلی به‌ویژه بارها از حامیانش خواست بی‌خشونت بمانند و استدلال می‌کرد که حتی یک رخنه‌ی کوچک در انضباط بی‌خشونت به دولت «دستاویزی برای تحریک» می‌دهد (Mydans 2003). فعالان کمارا نیز کوشیدند با دوستانه برخورد کردن با سربازان انضباط بی‌خشونت را تقویت کنند و احتمال سرکوب و تشدید خشونت‌آمیز را کاهش دهند.

کارزار درجه‌ی بالایی از انعطاف تاکتیکی و آمادگی برای سازگاری با شرایط در حال تغییر نشان داد. کنش بی‌خشونت آغازین یک تحصن درازمدت بیرون پارلمان بود، اما هنگامی که خطر رویارویی در جریان

راه‌پیمایی به‌سوی کاخ ریاست‌جمهوری بالا گرفت، رهبران اپوزیسیون تحصن را پایان دادند و به‌جای آن از حامیان خود خواستند به اعتصاب مالیاتی و اشکال گوناگون دیگر عدم همکاری دست بزنند. [۵۴]

در اواخر نوامبر ۲۰۰۳، وقتی نتایج نهایی انتخابات پارلمانی اعلام شد و قطعاً پیروزی را به شواردنادزه داد، اعتراض‌ها از سر گرفته شد و به‌سرعت در سراسر کشور بالا گرفت. در حالی که نیروهای امنیتی از سرکوب تظاهرات سر باز زدند و بسیاری از دستیاران ارشد شواردنادزه شروع به استعفا کردند، ساکاشویلی گروهی از معترضان را به ساختمان پارلمان برد و سخنرانی شواردنادزه را در نشست افتتاحیه مختل کرد. معترضان گل رز در دست داشتند تا نیت بی‌خشونت خود را نشان دهند، نمادی نیرومند که نام «انقلاب گل رز» را به کارزار داد.

شواردنادزه گریخت و وضعیت اضطراری اعلام کرد، اما نیروهای امنیتی‌اش از اجرای دستورهایش سر باز زدند. ایالات متحده و روسیه، دو حامی عمده‌ی پیشین او، هر دو خواستار حل مسالمت‌آمیز ستیز شدند. پس از میانجیگری روسیه، شواردنادزه استعفای خود را اعلام کرد. انتخابات ریاست‌جمهوری و پارلمانی اندکی بعد برگزار شد که کنترل پارلمان را به اپوزیسیون داد و ساکاشویلی را به ریاست‌جمهوری رساند.

در سراسر دوره‌ی انقلاب گل رز، کمتر موردی، یا شاید هیچ موردی، از فروپاشی انضباط بی‌خشونت مشاهده شد. بنابراین، چنان‌که در جدول ۴ توصیف شده، این کارزار را دقیق‌ترین شکل می‌توان دارای انضباط بی‌خشونتِ نزدیک به کامل دانست. هرچند نمی‌توان تخلف‌های جزئی را منتفی دانست، به‌طور کلی شرکت‌کنندگان در تمام مدت کارزار بی‌خشونت ماندند.

قرقیزستان: لاله‌ی خونین

اعتراض‌ها در قرقیزستان در اوایل ۲۰۰۵، در آستانه‌ی انتخابات پارلمانی آغاز شد. قیام‌های اخیر در گرجستان در ۲۰۰۳ و اوکراین در ۲۰۰۴ رژیم رئیس‌جمهور دیرپای قرقیزستان، عسکر آکایف (Askar Akayev)، را لرزانده بود. آکایف بارها به اپوزیسیون هشدار داد که هر کوششی برای مخالفت با دولت در خیابان می‌تواند به‌سرعت به جنگ داخلی و قومی بینجامد. در دهه‌ی ۱۹۹۰، بی‌ثباتی سیاسی در جریان فروپاشی اتحاد شوروی به خشونتی گسترده در جنوب کشور میان اکثریت قرقیز و اقلیت ازبک انجامیده بود.

از آن زمان، رژیم آکایف تقریباً بی‌مخالف مانده بود. آزادسازی اقتصادی طبقه‌ای از نخبگان اقتصادی مستقل از رژیم پدید آورده بود که بسیاری‌شان با حضور در پارلمان دسترسی سیاسی خود را حفظ می‌کردند. اپوزیسیون فقط یک بار، در ۲۰۰۲، به خیابان رفته بود، هنگامی که بازداشت یکی از چهره‌های

اپوزیسیون، [۵۵] عظیم‌بیک بکنازاروف (Azimbek Beknazarov)، حامیانش را در منطقه‌ی اکسی (Aksy) به راه‌اندازی کارزاری از تظاهرات، اعتصاب و مسدود کردن جاده‌ها برای مطالبه‌ی آزادی او کشاند.

[۵۵]

نقشه‌ی قرقیزستان



نشانه‌ها (افزوده‌ی مترجم): ۱ بیشکک (Bishkek) ۲ جلال‌آباد (Jalal-Abad) ۳ اوش (Osh)

راهنمای اصل: پایتخت کشور · مرکز استان (اوبلاست) · شهر، قشلاق · فرودگاه اصلی · مرز بین‌المللی · مرز استان · جاده‌ی اصلی · جاده‌ی فرعی · راه‌آهن.

منبع: سازمان ملل متحد، نقشه‌ی شماره‌ی ۳۷۷۰، بازنگری ۸، ژوئن ۲۰۱۱، اداره‌ی پشتیبانی میدانی، بخش نقشه‌برداری. مرزها و نام‌های نشان‌داده‌شده در این نقشه و عنوان‌های به‌کاررفته در آن به معنای تأیید یا پذیرش رسمی از سوی سازمان ملل متحد نیست.

کارزار اکسی را نیروهای امنیتی دولت به‌خشونت سرکوب کردند. دولت مدعی بود فقط وقتی مداخله کرده که تظاهرات خشونت‌آمیز شده بود، در حالی که اپوزیسیون می‌گفت دولت معترضان مسالمت‌آمیز و غیرمسلح را سرکوب کرده است. با این همه، هرچند کارزار با سرکوب پایان یافت، امتیاز هم گرفت: بکنازاروف بلافاصله پس از آن آزاد شد.

انتخابات پارلمانی مارس ۲۰۰۵ به‌طور گسترده مقدمه‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری در پایان همان سال تلقی می‌شد. آکایف به‌موجب محدودیت دوره‌های ریاست‌جمهوری می‌بایست پس از انتخابات کنار برود، اما اپوزیسیون مدعی بود که او می‌کوشد با راه‌دادن متقلبانه‌ی حامیانش به پارلمان و منصوب کردن فرزندانش به مقام‌های بالا در قدرت بماند.

رهبران پیشین انقلاب گل رز گرجستان به آموزش [۵۶] اپوزیسیون قرقیز کمک کردند. دانشجویان قرقیز نیز سازمانی ضدآکایف به نام «کلکل» (Kelkel) تشکیل دادند که از روی اوتپور، کمارا و پورا (Pora) (سازمان‌های جوانان در صربستان، گرجستان و اوکراین، به‌ترتیب) الگوبرداری شده بود. با این حال به نظر می‌رسد دامنه‌ی این آموزش، در قیاس با آموزش عمیقی که به اوتپور و رهبران انقلاب گل رز داده شد، تا حدی محدود بوده است.

تظاهرات‌ها پیش از خودِ انتخابات آغاز شد، هنگامی که نخبگان محلی اپوزیسیون در شهرستان‌های گوناگون، عمدتاً در جنوب، حامیان خود را به خیابان‌ها فراخواندند تا به سرکوب ادعایی رأی‌دهندگان و دیگر دست‌کاری‌های انتخاباتی رژیم پایان داده شود. این اعتراض‌های نخستین پراکنده آغاز شد و بر شکایت‌های بسیار محلی تمرکز داشت، نه بر اهداف انقلابیِ برکناری رژیم آکایف. عمدتاً مسالمت‌آمیز بودند و با سرکوب چشمگیر دولت روبه‌رو نشدند.

تغییر چشمگیری رخ داد هنگامی که معترضان در جلال‌آباد و اوش (به نقشه‌ی بالا نگاه کنید) از راه‌پیمایی در خیابان‌ها به اشغال ساختمان‌های دولتیِ منطقه‌ای در شهرهایشان روی آوردند. این تصرف‌های نمایشی دست‌کم تا حدی با زور همراه بود، هرچند پلیس عمدتاً مقاومت نکرد. با جلب توجه بیشتر این کنش‌های پرآوازه به جنبش، نخبگان اپوزیسیون در سراسر کشور به‌سرعت شروع به نشست‌هایی برای هماهنگ کردن تلاش‌ها و بیان اهداف در سطح ملی کردند.

در سراسر کارزار، اپوزیسیون سطح بالایی از سازمان‌یافتگی نشان داد. حتی در نخستین تظاهرات، نخبگان حامیان خود را بسیج و سازمان‌دهی می‌کردند، کنش‌ها را با دقت برنامه‌ریزی می‌کردند و با گروه‌های دفاع از خود، که قرار بود «نظم» را حفظ کنند، پاسداری‌شان می‌کردند. وقتی اعتراض‌های نخستین به‌تدریج به یک کارزار واحد پیوند خوردند، اپوزیسیون از ساختارهای محلی اقتدار سنتی نیز بهره برد تا در سراسر کشور هسته‌های حمایتی با زنجیره‌های فرمان و پاسخ‌گویی روشن ایجاد کند.

کنش‌های بی‌خشونت در سراسر کارزار نیز از تنوع چشمگیری برخوردار بودند. هرچند رئیس‌جمهور آکایف از همان آغاز با طرح شبح ستیز قومی کارزار را محکوم کرده بود، اپوزیسیون به‌سرعت رهبران اقلیت بزرگ ازبک کشور را در خود جای داد. تظاهرات‌ها همچنین از نظر جنسیت، سن، حزب و ابعاد گوناگون

دیگر دارای مشارکت متنوعی بودند. در مجموع، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که انقلاب لاله نماینده‌ی تقریباً همه‌ی حوزه‌های اجتماعی عمده‌ی قرقیزستان بود.

رهبری اپوزیسیون برخی فراخوان‌ها برای پرهیز معترضان از خشونت داد و برخی معترضان نیز تاکتیک گل به دست گرفتن را برای نشان دادن نیت مسالمت‌آمیز خود تکرار کردند، نخست لاله و سپس نرگس (Walsh 2005). با این حال، چند [۵۷] رهبر اپوزیسیون منطق «مقابله‌به‌مثل» را در رفتار مسالمت‌آمیز خود بیان کردند و از پیروان خواستند بی‌خشونت بمانند، اما اگر پلیس یا ارتش آنان را سرکوب کرد، تهدید به تلافی کردند.

موارد خشونت کوچک آغاز شد: درگیری‌های گوناگونی در تظاهرات‌های سراسر کشور رخ می‌داد که غالباً به معترضان مست نسبت داده می‌شد. تشدید عمده هنگامی رخ داد که دولت پلیس فرستاد تا حامیان اپوزیسیون را که ساختمان‌های دولتی جلال‌آباد و اوش را اشغال کرده بودند بیرون کند. اشغال‌کنندگان مقابله کردند و در هر دو سو چند کشته رخ داد. روز بعد، اپوزیسیون هجومی بی‌رحمانه برای بیرون راندن پلیس از ساختمان‌ها انجام داد که به چند کشته، مجروحان بسیار و ویرانی ایستگاه پلیس جلال‌آباد انجامید.

با آغاز کنترل اپوزیسیون بر بخش بزرگی از حاشیه‌ی کشور، رهبران خواسته‌ی کناره‌گیری آکایف را بیان کردند. چند تن سازمان‌دهی تظاهرات بیرون «کاخ سفید»، مقر دولت قرقیزستان در بیشکک، را آغاز کردند.

در ۲۴ مارس، دو ستون از حامیان اپوزیسیون در کاخ سفید به هم رسیدند. برخی گزارش‌ها از گروهی «پیشرو» از معترضان جوان مسلح به باتوم و سپرهای چوبی سخن می‌گویند که در نبردی رودررو با پلیس و صدها حامی غیرنظامی‌پوش آکایف درگیر شدند تا ساختمان را بگیرند. پس از نبردی چندساعته میان دو طرف، حامیان اپوزیسیون، که شمارشان بسیار بیش از پلیس مستقر بیرون کاخ سفید بود، صف‌های آنان را شکستند و ساختمان را اشغال کردند و اموال دولتی را غارت و شیشه‌ها را خرد کردند. آکایف، که بخش بزرگی از کشور را از دست داده بود و مقر دولت به دست اپوزیسیون افتاده بود، از کشور گریخت و ۱۰ روز بعد استعفا داد.

شواهد نشان می‌دهد که اکثریت تظاهرکنندگان در قرقیزستان بی‌خشونت ماندند و بنابراین توصیف انقلاب لاله به‌عنوان کارزاری از مقاومت مدنی دقیق است. با این حال، درگیری‌های خشونت‌آمیزِ بی‌سلاح تقریباً در تمام دوره‌ی کارزار فراگیر بود و بنابراین سطح انضباط بی‌خشونت را بهتر است بسیار پایین، یا «به‌زحمت بی‌خشونت»، دانست.

[۵۸]

جدول ۵. یافته‌های اصلی مقایسه‌ی موردی

تأثیر	گرجستان		صربستان		قرقیزستان	
	مرتبط؟	اثر	مرتبط؟	اثر	مرتبط؟	اثر
۱. تضاد تاریخی Historical Conflict	**بله**	جنگ داخلی گذشته برای حفظ انضباط بی‌خشونت فراخوانده شد	**بله**	ستیزهای گذشته مانع سرکوب شد	**بله**	به جلوگیری از خشونت قومی کمک کرد، به انضباط بی‌خشونت کمک نکرد
۲. اطلاعات و آموزش Information / Training	**بله**	آموزش گروه را بی‌خشونت نگه داشت	**بله**	در هسته مؤثر بود، نه در جمعیت گسترده‌تر	**بله**	اثر آشکاری نداشت
۳. طیف گسترده‌ی تاکتیک‌های پیشین مقاومت مدنی Wide Range of Past Civil Resistance Tactics	**خیر**	کارزار بزرگ مقاومت مدنی پیشین نبود	**بله**	طیف گسترده‌ی تاکتیک‌های پیشین، اما بدون انضباط بی‌خشونتِ کامل	**خیر**	کارزار بزرگ مقاومت مدنی پیشین نبود
۴. محیط بیرونی مساعد Favorable External Environment	**بله**	اعتراض‌های پیشین به برخی امتیازها انجامید	**خیر**	اعتراض‌های پیشین سرکوب شد	**آمیخته**	اعتراض‌های پیشین به سرکوب انجامید
۵. فراخوان به انضباط بی‌خشونت؟ Appeals for Nonviolent Discipline?	**بله**	فراخوان‌های پیوسته کمک کرد	**آمیخته**	معیارهای نامشخص به درگیری انجامید	**خیر**	رهبران برخی خشونت‌ها را تشویق کردند
۶. رهبری متمرکز Centralized Leadership	**بله**	انضباط بی‌خشونت را تشویق کرد	**بله**	تنها خشونتِ واکنشی را خواستار شد	**بله**	خشونت را تشویق کرد
۷. اهداف میانه‌رو Moderate Goals	**خیر**	اهداف افراطی به خشونت نینجامید	**خیر**	اهداف افراطی به مقداری خشونت انجامید	**بله**	خشونت با افراطی‌تر شدن اهداف افزایش یافت
۸. تاکتیک‌هایی برای پرهیز از رویارویی Tactics to Avoid Confrontation	**بله**	از درگیری پرهیز شد	**آمیخته**	خشونت هنگام رویارویی‌های فیزیکی	**خیر**	«نگه داشتن قلمرو» به درگیری‌های خشونت‌آمیز انجامید
۹. معیارهای عضویت Membership Criteria	**نامشخص**	شواهدی از معیارهای عضویت نیست	**آمیخته**	انضباط بی‌خشونت پس از توده‌ای شدن جنبش فروپاشید	**خیر**	جوانانِ متعهد به خشونت جذب شدند
۱۰. تنوع Diversity	**بله**	اثر مشاهده‌شده‌ای نبود	**بله**	اثر مشاهده‌شده‌ای نبود	**بله**	اثر مشاهده‌شده‌ای نبود
۱۱. مجازات از سوی کارزار Campaign Punishment	**خیر**	تخلف عمده‌ای از انضباط بی‌خشونت رخ نداد	**بله**	رهبران درگیری‌ها را متوقف و محکوم کردند	**خیر**	رهبران خشونت را تشویق کردند
۱۲. سرکوب Repression	**ناچیز**	سرکوب عمده‌ی معترضان نبود	**آمیخته**	خشونت پس از سرکوب پلیس رخ داد	**بله**	حملات پلیس درگیری‌های عمده برانگیخت
۱۳. مدت کارزار Duration	**خیر**	خشونت عمده‌ای رخ نداد	**بله**	خشونت در اواخر کارزار رخ داد	**بله**	خشونت در میانه تا اواخر کارزار رخ داد

بازتولید فارسی جدول اصل، ص. ۵۸. شماره‌ی تأثیرها از مترجم است و با ترتیب سیزده تأثیر مورد انتظار در بخش ۱ می‌خواند. ستون‌ها در اصل به ترتیب گرجستان، صربستان، قرقیزستان آمده‌اند. «مرتبط؟» یعنی آیا آن تأثیر در آن مورد حضور داشته است. «NVD» در اصل = انضباط بی‌خشونت.

پایان بخش ۳. بخش ۴ (فصل چهارم: بحث مطالعات موردی، نتیجه‌گیری و کتاب‌شناسی) دوشنبه‌ی آینده منتشر می‌شود، همراه با نسخه‌ی یکپارچه‌ی هر چهار بخش. در آن بخش، یافته‌های آماری و موردی کنار هم گذاشته می‌شوند و پیامدهای آن‌ها برای فعالان بررسی می‌شود.

پانوشت‌ها (به زبان اصلی، با شماره‌ی اصل)

30. Because many of the events related in the case summaries below are either common knowledge or were related by multiple sources, the section does not systematically provide in-text citations. Instead, the list of references at the conclusion of the monograph has a special section listing the major sources consulted to inform the case studies.

31. The movement against Serbian President Milosevic was popularly referred to as the “Bulldozer Revolution” because in some of the final protests of the movement some activists used bulldozers to break down police barricades.

پانوشت‌های ۳۲ تا ۳۴ به فصل ۴ تعلق دارند و در بخش ۴ می‌آیند. پانوشت ۳۰ به جمله‌ی پایانی «این بخش نخست مروری کوتاه...» و پانوشت ۳۱ به عنوان بخش صربستان وصل است.

ترجمه: پژوهشکده‌ی جنبش معلمان — مجموعه‌ی جنبش‌های اجتماعی، شماره‌ی ۵ (بخش ۳ از ۴). آبان ۱۴۰۵. © متن اصلی: International Center on Nonviolent Conflict, 2016. نقشه‌ها از اصل برداشته شده‌اند (© سازمان ملل متحد) و عکس‌ها طبق ذکر منبع در اصل از ویکی‌مدیا کامنز آمده‌اند. کتاب‌شناسی کامل در بخش ۴ خواهد آمد.